

جهانگرد بزرگ

ترجمه و اقتباس از کتاب

المقامات الفكرية في المملكة الباطنية

اثری است ادبی، اخلاقی، تربیتی، روانی، اجتماعی

نوشته:

عبدالله فکری

(ادانہ مند عرب)

بہت

ہارون شفیق عنبی

بہتمام

عمران شفیق

بازخوانی و ویرایش

دکتر احسان شفیق



فرہنگ ادبیا

سرشناسنامه: فکری، عبدالله ۱۸۳۴ - ۱۸۸۹ م.
 عنوان قرارداد: المقامات الفکرية فی المملكة الباطنية، فارسی
 عنوان و پدیدآور: جهانگرد بزرگ / نوشته عبدالله فکری؛
 [مترجم] هارون شفیقی عنبرانی ؛ به اهتمام عمران شفیقی؛ ویرایش احسان شفیقی.
 مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص.

شابک: ۷ - ۴۵۵ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

موضوع: روح

موضوع: تخیل

موضوع: خودشناسی

شناسه افزوده: شفیقی عنبران، هارون ۱۳۸۰ - ۱۳۹۶ مترجم

شناسه افزوده: شفیقی، عمران - گردآورنده

شناسه افزوده: شفیقی، احسان، ویراستار

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۷۰۴۱ م ۸ ف / BD ۳۲۱

رده‌بند دیویی: ۱ / ۱۲۸

شماره کتاب‌خانه ملی: ۴۱۳۷۸۲۰



فرهنگ ایلیا

• جهانگرد بزرگ • عبدالله فکری • هارون شفیقی عنبرانی

• به‌اهتمام: عمران شفیقی • بازخوانی و ویرایش: دکتر احسان شفیقی

• چاپ نخست: ۱۳۹۵ • شمارگان: هزار نسخه • شماره نشر: ۵۷۱

• صفحه‌آرایی: وحید باقری • حروفچینی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا

• همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.

• شابک: ۷ - ۴۵۵ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

• نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹

• تلفن: ۳۳۳۴۴۷۳۳ ۳۳۳۴۴۷۳۲ - ۰۱۳ • دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ - ۰۱۳

Email: nashreilia@yahoo.com

www.farhangeilia.ir

فهرست

۷	مقدمه‌ی عمران شفیقی
۹	مقدمه‌ی ویراستار
۱۴	مقدمه‌ی مترجم
۱۹	آغاز راه
۲۳	دل زدن به دریا
۲۵	دژ تسخیر نشده
۴۳	راهنمای من؛ فراست
۵۵	سلطان عقل و دیگران
۷۳	در محضر پادشاه عقل
۹۵	عدل سخن می‌گوید
۱۰۱	نور بصیرت
۱۰۷	پایان کار

تا جهان بود از سر آدم فراز
کس نبود از راه دانش بی نیاز
مردمان بخرد اندر هر زمان
راه دانش را به هر گونه زیان
گرد کردند و گرامی داشتند
تا به سنگ اندر همی بنگاشتند
دانش اندر دل چراغ روشن است
وز همه بد بر تن تو جوشن است
رودکی سمرقندی

مقدمه‌ی عمران شفیقی

کتاب جهانگرد بزرگ داستانی تمثیلی در موضوع اصالت نقل از عبدالله فکری نویسنده بزرگ عرب است.

نظیر این اثر گرانبها در آثار و ادبیات ملل گوناگون دیده می‌شود، دانته آلیگیری شاعر و نویسنده‌ی ایتالیایی منظومه‌ی کمدی الهی را در سفری تخیلی به «دوزخ و برزخ و بهشت» در سال ۱۳۲۱ میلادی تکمیل کرد. هرچند دانته بر خلاف عبدالله فکری به اصالت عشق (بئاتریس) پرداخته است و یا حی بن یقظان، ابن سینا و ابن طفیل اندلسی که در سفر فلسفی - فکری خود، تجربه را عامل رشد جسمی و فکری می‌دانند. همچنین در آثار ادبی ایران باستان، ویراز در ارداویرافنامه حالت کشف و شهودی را که

ضمن سفر آن جهانی است، روایت می‌کند که بسیار شبیه سفرهایی از نوع سفرهای شمنی و پیشگامان ادیان هندو است و این اثر (ارداویرافنامه) شاید قدیمی‌ترین اثری است که طی سفری تمثیلی و خیالی، هستی بشر را به او یادآوری می‌کند.

اما کتاب جهانگرد بزرگ که با دخل و تصرف استاد شفیقی در حوزه‌ی اصالت عقل، ماهیتی نوین یافته، تمثیلی بی‌بدیل است که در سال ۱۳۴۶ چاپ شد و پس از سال‌ها مرا بر آن داشت که با تجدید چاپ آن، دینم را بر دوستداران آن شاعر، نویسنده و مترجم فرهیخته ادا کرده باشم.

بازخوانی و ویرایش متن کتاب جهانگرد بزرگ را مطابق معمول در پیوند با سایر آثار استاد شفیقی، عموزاده‌ی ارجمندم، جناب دکتر احسان شفیقی عهده‌دار شدند که از دست‌های ایشان سپاس فراوان دارم.

زحمت تجدید چاپ این اثر را جناب آقای هادی میرزائزاد موحّد؛ مدیر محترم نشر فرهنگ‌ایلیا، از ناشران رفیق گیلان و از کنشگران عرصه‌ی فرهنگ و ادب و تاریخ گیلان عزیز عهده‌دار شدند؛ که بابت همکاری صمیمانه و بی‌ریای ایشان، بی‌نهایت قدردان و سپاسگزارم.

اما این کار سترگ پس از این سال‌های متمادی میسر نمی‌شد مگر با تشویق و تکریم دوستداران آن مرحوم، و به ویژه نوادگان عزیزش، فروغ و سعید و محسن (سالار) شفیقی که صمیمانه از تلاش این عزیزان نیز سپاسگزاری می‌کنم.

عمران شفیقی

«شما می‌توانید بانگ طبل را مهار کنید و سیم‌های گیتار را باز کنید، ولی کدامیک از فرزندان آدم خواهد توانست چکاوک را در آسمان از نوا باز دارد؟»
جبران خلیل جبران

مقدمه‌ی وی است

یکی از رویدادهای در ممولاً، علی‌رغم ضرورت، در زندگی شاعران و نویسندگان رخ نمی‌دهد، ترویج چاپ نوشته‌های ایشان است. این رویداد گاهی با اندکی تأخیر و گاهی پس از مدت‌ها رخ می‌دهد. فرزندان یا شاگردان و دوستان شاعر و بعضاً پسران و دختران و محققان، ضرورت آن را احساس می‌کنند و به این باور می‌رسند که نفس زندگی ادبی و ذوقی جامعه در خلاء ناشی از نبود آن اثر ادبی، دچار تخریب شده است و گاهی این اتفاق هرگز روی نمی‌دهد و بسیاری از آثار قلمی نویسندگان در محاق فراموشی و نسیان مانده، از دیده‌ها و دل‌ها می‌روند.

زنده‌یاد استاد هارون شفیقی عبرانی، از زمره شاعران و نویسندگان بود که توفیق جمع‌آوری و چاپ بخش ناچیزی از اشعار و نوشته‌های خود را یافت و بخش عظیمی از سروده‌ها و نوشته‌های ایشان از موهبت اتفاق میمون گردآوری و چاپ و نشر محروم ماند.

هارون شفیقی عبرانی، فرزند مرحوم ملا نجم‌الدین، در سال ۱۲۹۶ در روستای عبران اردبیل (شهر مرزی فعلی) از بانویی فاضله و اهل علم و عرفان پای بر صفحه‌ی هستی نهاد. از دوران کودکی آثار و نشانه‌های نبوغ

در رفتار و کردار و گفتارش هویدا بود. در سایه‌ی تعلیم و تربیت مبتنی بر مبانی عالی‌هی اسلامی و عرفانی که در خانواده حاکم بود، توانست مقدمات علوم و معارف دینی و ادبی رایج در عصر خود را در محضر والدهی ماجده و دایی دانشمند و عارف خود، حضرت آیت‌الله شیخ محمد سعید نقشبندی (ره) به فراوانی فراگیرد و برای ادامه و تکمیل تحصیلات خود، مدتی نزد استاد مسلم علوم و معارف دینی روزگار خود، مرحوم علامه سید محمد طاهر قریشی مینابادی (ره)، که از پرورش‌یافتگان مکتب کردستان ایران بود، به کسب علم پرداخت. بعدها استاد شفیقی که محیط کوچک عنبران را برای جولان در رصه‌ی تعلیم و تربیت محدود یافت، به گیلان (رضوانشهر و سیاهیل اسالم) مهاجرت کرد و در آنجا در بنیان نهادن مدارس و حلقه‌های دروس دینی، عربی و ادبی نقش فعال ایفا کرد. استاد شفیقی سپس به یمن دریافت اجازه‌نامه‌ی علمی در راهی افتا از علمای عصر و تأیید آن از طرف مراکز علمی مورد وثوق و تکریم فرهنگ، توانست جذب سازمان آموزش و پرورش استان گیلان شود. مدت ۳۰ سال در مقاطع و پست‌های گوناگون به ارائه‌ی خدمات آموزشی و فرهنگی بپردازد.

از همان آغاز ارائه‌ی خدمات رسمی آموزشی و فرهنگی با انتشار نشریات، ماهنامه‌ها، مجلات و چاپ کتاب‌ها و نگارش مقالات کوتاه علمی، اجتماعی، ادبی و عرفانی در سطح کشور در میان استادان مسلم روزگار خود از جمله استاد محمدتقی جعفری، استاد دکتر شفیعی کدکنی، استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، مرحوم آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی و حبیب یغمایی، مطرح و شناخته شده و مورد مشاوره‌ی علمی قرار گرفت. تردیدی نیست حضور روحانی و معنوی، ادبی، عرفانی و دینی استاد شفیقی همچنان

در فضای اجتماعی و ادبی و ذوقی گیلان، به‌ویژه، شهرستان تالش سایه افکنده و بسیاری کسانی که در سایه‌سار آموزه‌های دینی و عرفانی و ادبی او نفس می‌کشند.

کار جمع‌آوری و تدوین آثار قلمی، مانند ترجمه‌ها، سفرنامه‌ها، مکاتبات و دیوان و کلیات اشعار استاد شفیعی، از مدت‌ها پیش آغاز شده است اما اتمام طرح تدوین و چاپ نهایی آنها، نیازمند صرف زمان زیاد و کار گروهی و مشارکت کارشناسان و صاحب‌نظران است. شایان ذکر است نگارش زندگی‌نامه، شامل معرفی و نقد و بررسی آثار استاد فقید را به نگارش مقدمه‌ی مفصل دیوان و کلیات اشعار آن مرحوم موکول می‌کنیم.

مواجه شدن با درخواست‌ها و تقاضاهای عمومی دوستداران آن مرحوم، به‌خصوص نسل جوانی که آشنایی بسیار کمی با ثمرات و میوه‌های درخت ذوق و قریحه‌ی ایشان ندارند، ما را بر آن داشت، دواثر استاد را که در سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۶، حدود نیم قرن پیش چاپ و منتشر شده‌اند، تجدید چاپ نماییم. آن دواثر عبارتند از: «جهانگرد بزرگ» به نثر و «آفتاب» به نظم.

آنچه پیش روی خوانندگان ارجمند قرار دارد، کتاب «جهانگرد بزرگ» است. این کتاب ترجمه و اقتباسی است از اثر عبدالله فکری یکی از نویسندگان عرب، در مقوله‌ی اصالت عقل در قالب داستان، نه در سال ۱۳۴۶ چاپ شده است. عبدالله فکری پاشا، از ادبا و پیشگامان نهضت شعر و نثر معاصر مصر است. در سال ۱۲۵۰ هجری هنگامی که پدرش با سپاه حاکم مصر به مکه رفته بود، در مکه‌ی مکرمه متولد شد. در قاهره پرورش یافت، قرآن را حفظ کرد و تحصیلاتش را در الازهر پی گرفت. در شغل‌های گوناگونی از جمله شغل دیوانی در وزارت کشور، مترجم و

سرپرست آموزش فرزندان خدیو اسماعیل (حاکم مصر)، عضو مجلس خصوصی تجدید نظر قوانین و لوایح حکومتی به کار مشغول شد. در سال ۱۲۹۹ به عنوان وزیر معارف مصر و در سال ۱۳۰۶ ه به عنوان رئیس هیئت مصری در کنفرانس استکهلم منصوب شد. عبدالله فکری در موضوعات گوناگون اندیشه و ادبیات تالیفات دارد. از آثار او می توان به موارد زیر اشاره کرد: «آثار الافکار و مشور الازهار» (چاپ ۱۸۲۷ ه در قاهره)، «المقامة الفکرية في مملكة الباطنية» (کتاب حاضر، چاپ ۱۲۸۹ در قاهره)، «الرحلة البعلبكية» (چاپ ۱۸۸۵)، «نظام اللاکی فی الحکم و الامثال» (چاپ ۱۳۰۸ ه)، «شرح دیوان ابن انبیه» (چاپ ۱۸۸۹ م)

عبدالله فکری در سال ۱۳۰۶ ه ق در قاهره در گذشت و برای بزرگداشت او اکنون در شهر قاهره و نیز مدرسه ای در آن جا به نام اوست. کتاب «المقامة الفکرية في مملكة الباطنية» که تحت عنوان «جهانگرد بزرگ» توسط زنده یاد استاد هارون شایعی عبرانی در سال ۱۳۴۶ ترجمه شده، اثری است در موضوع اصالت خل که نویسنده طی سفری تمثیلی و خیالی هستی بشر را به او یادآوری می کند. این اثر با دخل و تصرف بنیادین استاد در آن، ماهیتی تازه یافته است، در زمینه داستان ها و حکایات رمزی و تمثیلی است و تاثیر آثاری چون رساله ی حی بن یقینان، ابن سینا، ارداویرافنامه و آواز پر جبرئیل و... در آن غیر قابل انکار است.

منظور از ادبیات رمزی، دسته ای از آثار ادبی است که در آنها ظاهر متن دلالت بر مدلول ها یا مصادیقی دارد که بنا بر عادات زبانی و تجربی ما، معنایی عقل پذیر ندارد که همه ی خوانندگان، آن را یکسان دریابند و یا مدلول و مصداقی عقل پذیر دارند، اما بافت درون متنی و بیرون متنی، اجازه ی

قبول متن را در معنی حقیقی و قراردادی کلمات نمی دهد. در این صورت یا باید مصداق عقل ستیز را عقل پذیر کرد و یا مصداق عقل پذیر را با بافت سازگار کرد. این کار به معنی خروج از اقتدار زیان و تأویل متن است (پورنامداریان، بخارا، سال چهاردهم، شماره ۸۳، مهر - آبان ۱۳۹۰).

جدید چاپ کتاب «جهانگرد بزرگ» را باید جرقه‌ی امیدی برای چاپ آثار دیگر استاد قلمداد کرد. بابت این اتفاق مبارک خداوند منان را بسیار سپاس‌گزاریم. در پایان یادآوری این نکته ضروری است که همت والای فرزندان استاد رحیم که همگی از فضل و دانش و فرهیختگی کامل برخوردارند، سلسله بیان این حرکت خجسته گشت؛ از جمله فرزند ارشدشان جناب آقای عمران سنقری که ضمن حفظ و حراست و صیانت کامل از اوراق و دستنوشته‌های استاد، در گردآوری، طبقه‌بندی و تصویربرداری و بعضاً تایپ آن‌ها، بسیار اهتمام ورزیده و مانع از آن شدند که آن آثار دستخوش نابودی گردند. به همه ی این‌ها سپاس خود و همه‌ی مشتاقان آثار قلمی آن استاد بزرگوار را تقدیم آن فرزندان گامی می‌نمایم.

من التوفیق وعليه التكلان

شهریور ماه ۱۳۹۴ هجری شمسی استارا

حسان شفیقی

انزعِمُ اَنْكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ
وَ فَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْاَكْبَرُ
علی علیه السلام

مقدمه (ترجمه)

نقطه‌ی وجود بشر را اگر «معما» فرض کنیم، راه حل این معما را باید در خلال صفحات جهان «هستی» جستجو نماییم. و اگر صفحه‌ی «هستی» او را به منزله‌ی متن مجملی بدانیم، شرح مفصل این اسرار مکتوم و راز درهم‌فشرده، باز همان عالم و جرم رازناک هستی کائنات نامتناهی است.

کتاب آسمانی ما «قرآن» که آیین‌نامه‌ی اعمالی و تشریعی است، تحقیق در راه وصول به حقیقت مطلقه را به دو شرح فصلی و تکوینی کتاب «آفاق» و «انفس» حواله می‌کند که: ما نشانه‌های قدرت پروردگار را در صحیفه‌ی آفاق و قلمرو هستی و وجودشان به آنان می‌نماییم تا روشن گردد که «او» حق است و حقیقتی است انکارناپذیر.

بزرگ‌ترین رهبر جهان بشریت حضرت محمد(ص)، معرفت به وجود پروردگار را مبتنی براساس معرفت نفس می‌داند که هر که خود را شناخت خدای خود را شناخت. علی(ع) عالی‌ترین رازدار این نسخه‌ی طلسم وجود در دو مصرع کوتاه، پرده از روی اسرار هستی بشری برمی‌دارد و می‌گوید:

أَتَزَعُمُ أَنَّكَ جَرِمٌ صَغِيرٌ؟ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْاَكْبَرُ. متصوفین و فلاسفه بزرگ جهان اسلام مانند محی الدین بن عربی اندلسی صاحب «فتوحات مکیه» و شیخ عبدالکریم جیلی بغدادی صاحب «الانسان الکامل فی معرفه الاواخر و الاوائل» و حجة الاسلام امام محمد غزالی در تألیفات خود و عارف بزرگ، مولانا جلال الدین رومی، در مثنوی معنوی و امثال این بزرگوران نامی، هر چه بیشتر در دریای اسرار روح بشری و اقیانوس نامتناهی حق متعالی اوشناور می گردند و می خواهند به غور آن برسند، جز بهت و حیرت بزرگ گردانی و عجز چیزی دستگیر کسی نمی گردد.

علمای معرفه النفس، ره شناسان، ان بصیر با آن همه تحقیقات دقیق هنوز جهان بی پایان روح و نفسانیت این آفریده ی مرموز را احاطه نکرده و بلکه هر چه بیشتر می روند، بیشتر بر تیر را اسباب شان می افزاید. هر کس به زبانی با تعبیراتی محدود به تفسیر این دنیای نامحدود می پردازد. از عجائب اندرون و ضمیر این خلقت عجیب که نمونای کامل از مجموع «هستی» است سخن گفته اند ولی همچنان در اول و صفش به سر می برند.

یکی از نویسندگان نامی عرب نیز به نام عبدالله فکری، همان طور که خودش می نویسد، در اثنای مسافرت به قسطنطنیه به کتابی در زبان ترکی که اصل آن هم از بعضی لغات خارجی بوده، بر می خورد و آن را به قالب لغت عرب می ریزد و به نام المقامات الفکریه فی المملکه الباطنیه، تقدیم عالم ادب می نماید.

کتاب همان طور که از نامش پیدا است تصویری است تشبیهی و بسیار ساده و شاید هم خیلی مجمل که از کیفیات روحی و فعل و انفعالات عواطف و حالات اندرونی انسان حکایت می کند.

در این کتاب خواننده با کشوری بزرگ زیر فرمان سلطان مقتدر عقل آشنا می‌گردد که صفات حمیده و ذمیمه‌ی بشری در آن، هر یک به مقتضای تمایل خود می‌خواهد راهی برود و میان این دو نیروی «اهریمنی» و «اهورایی» تصادم شدید روی می‌دهد و صحنه‌ی جنگ و جدالی به وجود می‌آید. در این دنیای پر آشوب، گاهی گروه نیکان و زمانی لشکر اهریمنان سرشته‌ی قدرت را به دست گرفته و بر این مملکت پهناور استیلا می‌یابند. اما عاقبت چون همیشه پیروزی با حق و حقیقت است، سلطان عقل با پشتیبانی جمعی از صفات ملکوتی بر نابکاری‌ها و اهریمنی‌ها غلبه می‌کند و نابسامانی‌ها را پایان می‌دهد و در مقام شامخ فرماندهی خویش پایدار می‌ماند.

البته این گونه تصویرهای تشبیهی را در موضوع نمایاندن کیفیت روح بشری، می‌توان به اشکال گوناگون و صورت تمثیلی مختلف و تعبیرات متنوع درآورد و نظر به نامتناهی بودن آن به هر شکلی و رنگی که جلوه داده شود، باز قضیه نامکرر و هر بار از تابلوی نخستین زیباتر و همیشه در تازگی خود باقی است. نویسنده‌ی کتاب از جریان وضع ضمیر انسان صحنه‌ای نظیر همین اثر ناچیز که با قلم ناتوان و عبارات نابسامان این بنده ترسیم گردیده، به وجود آورده است.

با این تفاوت که مرحوم عبدالله فکری با قدرت ادبی اعجاز‌آمیز به‌طوری این تابلو را نقاشی و رنگ‌آمیزی می‌کند که خواننده و بیننده در اثنای مطالعه و تماشای آن بی‌اختیار خود را در تلاطم و طوفان‌های وحشتناکی که شب و روز در وجودش، در دنیای زندگی‌اش، در فعل و انفعالات روحی‌اش، در بیرون از قلمرو هستی او جریان دارد، مشاهده

می‌کند و ناگزیر پس از درک آن دنیای عجیب در شناختن «خودی» خود سر به گریبان تفکر می‌برد و در سیر اسرار این عالم «انفسی» غرق می‌گردد. حالا ما از عهده‌ی این کار چگونه بیرون آمده‌ایم و تا چه اندازه توانسته‌ایم از اصل کتاب پیروی کنیم، پرسشی است که باید در پاسخش اعتراف به تصویر کرد و اقرار نمود که این تقلیدی است بسیار ناقص از یک موضوع کامل که نباید جز انفعال از این زحمت ثمری چید. و باید از خوانندگان گرامی تقاضا کنم همان‌طور که چهاربار نشریه‌ی بی‌ارزش ما را در این شهرستان دور انداخته با فقدان وسائل مادی و معنوی با دست لطف و بزرگواری دریافت داسه و نظد اغماض به آن نگریسته‌اند، این بار نیز از هرگونه نقص این اثر ناچیز چشم‌پوشش کنید و در پوشیدن عیب آن تا سرحد جوانمردی بکوشند.

و آنچه در پایان این مقدمه باید به آن اشاره شود، معرفی اجمالی مرحوم عبدالله فکری نویسنده کتاب است.

او یکی از ارکان بزرگ نهضت ادبی کشور مصر به سال ۱۲۵۰ هجری قمری در مکه معظمه متولد شد در دانشگاه الازهر تحصیلات فراگرفت علوم اسلامی، در زبان ترکی هم تسلط کامل به دست آورد و عربی و ترکی شد و در سال ۱۳۰۷ قمری به رحمت ایزدی پیوست.

و یکی از ادبای آن زمان به نام حفنی بک ناصیف با قصیده‌ای او را رثاء گفت و این چند بیت از آن قصیده است:

لَيْدَعُ الْمُدَعُّونَ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَا
فَقَدْ تَغَيَّبَ عَبْدُ اللَّهِ وَاحْتَجَبَا

وَلَيْتَسِبَّ ادِّعَاءُ الْفَضِيلِ كَيْفَ قَضَتْ
آرَاءَهُمْ اِذْ قَضَتْ مَنْ يَحْفَظُ النَّسَبَا

اَجَلْ! فَقَدَمَاتِ عَبْدِ اللَّهِ وَاسْقَا
وَ اَوْحَشْتَ مِصْرَ مِنْ فِكْرِي فَوَاحِرَبَا

وَأَنْ نَفْسٍ لِمَعْنَاهُ شَكْتُ وَبَكْتُ
وَأَكَلُ فِكْرِي بِفِكْرِي مَا جَ وَاضْطَرَبَا

شفیعی